

*Research Article*

## Analysis and Validation of the List of Ibn Abbas in the Order of Revelation of the Surahs of the Qur'an

Alireza Sadraldini Ahmadiani<sup>1</sup>, Mozghan Sarshar<sup>2\*</sup>, Maryam Haji Abdulbaghi<sup>3</sup>

### Abstract

Some commentators and scholars of Quranic sciences believe that interpretation according to the order of the surahs is the best way to understand the Quran and serve it; Because in this way, the states and stages of revelation can be clearly and accurately understood, and in this way, the reader is placed in the space of the revelation of the Qur'an and its conditions, relations, purposes, and concepts, and the wisdom of the revelation is revealed to him.

Therefore, from the beginning of Islam, some companions and followers tried to collect the Qur'an based on the order of descent. In the meantime, the list provided by Ibn Abbas based on the narration of Ata Khorasani of the order in which the Surahs of the Qur'an were revealed is more reliable. Abdullah Ibn Abbas was a distinguished student of Ali (AS) and his interpretations of various verses of the Qur'an have a privileged position in interpretation. It shows him well compared to other Companions.

In this article, it has been shown with Qur'anic, historical and narrative evidence that the mentioned list also has many weaknesses, and the priority and delay of the surahs in that list is facing serious problems. In addition, the precedence and backwardness of the surahs in that list does not necessarily mean the precedence and backwardness of the verses of those surahs; Several examples have been given to clarify this matter.

**Keywords:** List of Ibn Abbas, Order of Revelation of Surahs, Era of Prophethood, Precedence and Delay

1. Doctoral student in the field of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, School of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**How to Cite:** Sadraldini Ahmadiani A, Sarshar M, Haji Abdulbaghi M., Analysis and Validation of the List of Ibn Abbas in the Order of Revelation of the Surahs of the Qur'an, *Journal of Quranic Studies Quarterly*, 2024;14(56):642-663.

## تحلیل و اعتبارسنجی فهرست ابن عباس در ترتیب نزول سوره‌های قرآن

علیرضا صدرالدینی احمدیانی<sup>۱</sup>، مژگان سرشار<sup>۲\*</sup>، مریم حاجی عبدالباقی<sup>۳</sup>

### چکیده

برخی از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی معتقدند تفسیر بر وفق ترتیب سوره‌ها، برترین روش فهم قرآن و خدمت بدان است؛ چون بدین وسیله می‌توان حالات و مراحل نزول را به شکلی روشن و دقیق پی گرفت و بدین ترتیب خواننده در فضای نزول قرآن و شرایط و مناسبات و غایات و مفاهیم آن قرار می‌گیرد و حکمت نزول برایش نمایان می‌شود.

لذا از صدر اسلام برخی از صحابه و تابعان، درصدد جمع‌آوری قرآن بر اساس ترتیب نزول برآمدند. در این میان فهرستی که ابن عباس بنا به نقل عطاء خراسانی از ترتیب نزول سوره‌های قرآن ارایه کرده است، از اعتبار بیشتری برخوردار است. عبدالله بن عباس شاگرد ممتاز علی (ع) بوده و تفاسیری که از آیات گوناگون قرآن ارایه کرده، موقعیت ممتاز تفسیری او را نسبت به دیگر صحابه به خوبی نشان می‌دهد. در این مقاله با شواهد قرآنی، تاریخی و روایی نشان داده شده است که

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

ایمیل: Sarshar2008@gmail.com

نویسنده مسئول: مژگان سرشار

فهرست مذکور نیز دارای ضعف‌های بسیاری می‌باشد، و تقدم و تاخر سوره‌ها در آن فهرست با مشکلات جدی رو به روست. در ضمن تقدم و تاخر سوره‌ها در آن فهرست، لزوماً به معنای تقدم و تاخر آیات آن سوره‌ها نیست؛ برای روشن شدن این مطلب نیز چندین مثال بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** فهرست ابن عباس، ترتیب نزول سوره‌ها، عصر رسالت، تقدم و تاخر آیات

## مقدمه و بیان مسئله

به باور برخی از دانشمندان علوم قرآنی، قرآنی که ترتیب نزولش مرتب باشد، تاریخی را که در شان و اسباب نزول نوشته و نقل گشته است، تصحیح می‌کند؛ مهمترین حوادث عصر رسالت را که نزول سوره‌ها و مجموعه‌های آیات است، بیان می‌دارد، آن چه را به نام حدیث از پیامبر (ص) نقل گشته و جزئی از تاریخ حیات وی است، ارزیابی و رد و قبول می‌کند؛ سیره حضرتش را و تاریخ امت را در مرحله تکوین و رشد و قوامش می‌نگارد و آن چه را که در وقایع و اعمال آن دوره گفته و نوشته‌اند بر محک خویش می‌آزماید<sup>۱</sup>.

با مرور پیشینه این باور، معلوم می‌شود که این شیوه به صدر اسلام بر می‌گردد؛ زمانی که صحابه و تابعان، آیات و سوره‌ها را بر اساس مکی و مدنی بودن آن‌ها، سامان‌دهی کردند. در این میان برخی به ترتیب نزول‌هایی که در بعضی از مصاحف، از قبیل مصحف عبدالله بن عباس، مصحف عبدالله بن مسعود و مصحف ابی بن کعب آمده است، اعتماد نموده‌اند. از میان آنها ترتیب نزول عبدالله بن عباس به جهت این که وی شاگرد امیرالمومنین علی (ع) بوده و مقام بسیار والایی به لحاظ تفسیری داشته، از اعتبار بیشتری برخوردار است. تا جایی که برخی مانند جلال‌الدین فارسی بر اساس ترتیب نزول مندرج در آن فهرست، تاریخ عصر رسالت را در سه جلد نگاشته است. آن چه در این طرح پیشنهاد می‌شود آن است که فهرست یاد شده تا چه اندازه با شواهد قطعی قرآنی، روایی و تاریخی سازگاری دارد؟

بهترین راه برای تشخیص ترتیب نزول سوره‌های قرآنی و مکی و مدنی بودن آنها و نیز تقدم و تاخر سوره‌ها، تدبر در مضامین آیات و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت

می‌باشد. روایات معصوم و برخی از اسباب نزول‌ها و وقایع تاریخی نیز جهت این تشخیص بسیار سودمند است.

### فهرست ابن عباس

عبدالله بن عباس پسر عموی رسول خدا (ص) و شاگرد ممتاز امیر مومنان علی (ع) می‌باشد. مقام و موقعیت تفسیری او بسیار بالا و والا بوده و تفاسیری که از آیات گوناگون قرآن ارایه کرده است، موقعیت تفسیری او را به خوبی نشان می‌دهد. ترتیب نزول سوره‌ها توسط وی از بیشترین اعتبار برخوردار است؛ لکن همین ترتیب نزول‌ها نیز به طرق مختلف روایت شده است؛ که معتبرترین آن‌ها روایت عطاء خراسانی است.<sup>۱</sup>

فهرست ابن عباس بنا به نقل عطاء خراسانی به ترتیب ذیل است:<sup>۲</sup>

۱. اقراء	۲۰. الناس	۳۹. الجن	۵۸. الزمر	۷۷. الحاقه
۲. ن	۲۱. الاخلاص	۴۰. یس	۵۹. المومن	۷۸. المعارج
۲. المزمّل	۲۲. والنجم	۴۱. الفرقان	۶۰. فصلت	۷۹. النبأ
۳. المدثر	۲۳. الاعمی	۴۲. الملائکه	۶۱. الشوری	۸۰. والنازعات
۴. تبت	۲۴. القدر	۴۳. مریم	۶۲. الزخرف	۸۱. انفطرت
۵. کورت	۲۵. والشمس	۴۴. طه	۶۳. الدخان	۸۲. انشقت
۶. الاعلی	۲۶. البروج	۴۵. الواقعه	۶۴. الجاثیه	۸۳. الروم
۷. واللیل	۲۷. والتین	۴۶. الشعراء	۶۵. الاحقاف	۸۴. العنکبوت
۸. والفجر	۲۸. قریش	۴۷. النمل	۶۶. الذاریات	۸۵. المطففون این است آن چه خدای تعالی در مکه نازل کرده است.
۹. والضحی	۲۹. القارعه	۴۸. القصص	۶۷. الغاشیه	۸۶. پس از آن در مدینه سوره بقره را نازل کرد.
۱۰. الم نشرح	۳۰. القیمه	۴۹. الاسراء	۶۸. الکهف	۸۷. انفال

۱. به نقل از سایت: مجمع جهانی شیعه شناسی، پژوهشی درباره ترتیب نزول قرآن.

۲. ابن سُرَیس، (۱۴۰۸)، صص ۳۳-۳۴.

۱۱. والعصر	۳۱. الهمزه	۵۰. یونس	۶۹. النحل	۸۸. آل عمران
۱۲. والعاديات	۳۲. المرسلات	۵۱. هود	۷۰. نوح	۸۹. احزاب
۱۳. الكوثر	۳۳. ق	۵۲. یوسف	۷۱. ابراهیم	۹۰. الممتحنه
۱۴. التكاثر	۳۴. البد	۵۳. الحجر	۷۲. الانبياء	۹۱. النساء
۱۵. الدين	۳۵. الطارق	۵۴. الانعام	۷۳. المومنون	۹۲. اذا زلزلت
۱۶. الكافرون	۳۶. القمر	۵۵. الصافات	۷۴. الم السجده	۹۳. الحديد
۱۷. الفيل	۳۷. ص	۵۶. لقمان	۷۵. الطور	۹۴. محمد(ص)
۱۸. الفلق	۳۸. الاعراف	۵۷. سباء	۷۶. الملك	۹۵. الرعد
۹۶. الرحمن	۱۰۰. الحشر	۱۰۴. المنافقون	۱۰۸. الصف	۱۱۲. التوبه
۹۷. الانسان	۱۰۱. النصر	۱۰۵. المجادله	۱۰۹. الجمععه	۱۱۳. المائده
۹۸. الطلاق	۱۰۲. النور	۱۰۶. الحجرات	۱۱۰. التغابن	
۹۹. لم يكن	۱۰۳. الحج	۱۰۷. التحريم	۱۱۱. الفتح	

همان طور که مشاهده می شود، فهرست "ابن عباس" فاقد سوره "حمد" است و این سستی و مسامحه و یا نسیان ناقلان را می رساند؛ و این سوال را به دنبال دارد که: آیا کسانی که سوره ای به اهمیت سوره "حمد" را از قلم می اندازند، چگونه به ثبت و ضبط آن ها در ترتیب سوره ها می توان اعتماد کرد؟

از این گذشته روایت "ابن عباس" با فرض صحت و استقامت خبر واحد است و شیعه در غیر از مسایل فقهی به طور کلی در هیچ مساله ای چه اعتقادی و چه تاریخی و چه فضایل و چه غیر آن به خبر واحد عمل نمی کند مگر این که همراه خبر واحد قرینه هایی باشد که یا مفید علم و یا حداقل مفید اطمینان و وثوق شخصی باشد. تنها در مسایل فقه است که در حجیت روایاتش به وثوق نوعی اکتفا می کند، آن هم بعد از آن که به دست بیاید روایت مخالفی با قرآن کریم ندارد!

### تجزیه و تحلیل ترتیب نزول سوره ها در فهرست "ابن عباس":

در خصوص فهرست مذکور دو محور برای بررسی و ارزیابی انتخاب شده است. در محور اول با ذکر نمونه هایی به ضعف ترتیب نزول سوره ها در آن فهرست اشاره شده است؛ و در محور دوم

نمونه‌هایی ذکر شده است که نشان می‌دهد ترتیب نزول سوره‌ها لزوماً به معنای تقدم و تاخر آیات آن سوره‌ها نیست.

**محور اول -** ترتیب نزول سوره‌ها در فهرست "ابن عباس" با ضعف و اشکال رو به روست.

**سوره رعد** در فهرست ابن عباس مدنی و نود و پنجمین سوره نازل شده است.

**اشکال -** سوره‌های مکی چون در آغاز دعوت پیامبر (ص) و به هنگام درگیری شدید با مشرکان نازل شده است غالباً پیرامون مسائل عقیدتی مخصوصاً دعوت به توحید و مبارزه با شرک و اثبات معاد سخن می‌گوید، در حالی که سوره‌های مدنی که پس از گسترش اسلام و تشکیل حکومت اسلامی نازل گردید، پیرامون احکام و مسائل مربوط به نظامات اجتماعی طبق نیازمندی‌های جامعه بحث می‌کند.

بر همین اساس است که سوره "رعد" از جمله سور مکی به حساب می‌آید، زیرا مضامین آیات این سوره بسیار متناسب با اوضاع و احوال مکه است و با وضعی که مسلمانان در مدینه داشتند تطبیق نمی‌کند.

دقت در آیات این سوره نشان می‌دهد که کفار معجزه رسول خدا (ص) را به عنوان معجزه و آیه قبول نمی‌کردند و در مقام اعتراض بر آمده و می‌گفتند چرا آیتی از ناحیه پروردگارش نازل نشد؟ **وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ (آیه ۷ و ۲۷) خداوند نیز چند جا در مقام پاسخ برآمده می‌فرماید: وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ (رعد: ۱) و آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است. و نیز می‌فرماید: وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (رعد: ۴۳) کسانی که کافر شدند می‌گویند تو فرستاده خدا نیستی، بگو خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست برای گواهی میان من و شما بس است. از طرف دیگر روایاتی که در ذیل پاره ای از آیات من جمله آیه آخر آمده است مکی بودن آن را تأیید می‌کند: شخصی از سعید بن جبیر پرسید: منظور از جمله **وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** عبدالله بن سلام است؟ گفت: نه، چطور ممکن است او باشد با این که این سوره در مکه نازل شده است<sup>۱</sup>.**

۱. طبری، (۱۴۱۲)، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ طوسی، ج ۶، ص ۲۶۷؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۶، ص ۴۶۲؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۴، ص ۶۹؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۵، ص ۳۲؛ قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶؛ ابن کثیر، (۱۴۱۹)، ج ۴، ص ۴۰۷؛ سمرقندی، (۱۴۱۶)، ج ۲، ص ۲۳۳؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۱۲، ص ۲۱۲؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۱، ص ۴۸۸؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۵، ص ۲۶۰.

فخررازی در تفسیرش بعد از این که پاسخ سعید بن جبیر را نقل می‌کند مبنی بر این که چه طور می‌تواند منظور از « وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » عبدالله بن سلام باشد؛ در حالی که این سوره مکی است و اسلام آوردن عبدالله بن سلام در مدینه بوده است؛ پاسخ می‌دهد: گرچه این سوره مکی است ولی این آیه (آیه مذکور) مدنی است.<sup>۱</sup>

آلوسی نیز در روح المعانی پاسخی شبیه به فخررازی داده است.<sup>۲</sup> نکته مهم آن است که هیچ مفسری سوره رعد را مدنی ندانسته است و لذا امثال فخررازی و آلوسی برای گریز از شبهه سعید بن جبیر تنها آیه آخر این سوره را مدنی دانسته‌اند.

در فهرست "ابن عباس" **سوره انعام** پنجاه و چهارمین و سوره لقمان پنجاه و ششمین سوره‌های نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) هستند.

**اشکال -** از عبدالله بن مسعود روایت شده است که چون آیه: الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام: ۸۲) کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، آنان اند ایمنی یافتگان و هدایت شدگان. نازل گشت، اصحاب به پیامبر عرض کردند: وَ أَيْنَا لَمْ يُظْلَمِ نَفْسُهُ؟ کدام یک از ما به خود ظلم نکرده؟ پس هیچ یک از ما هدایت نیافته است. رسول خدا (ص) فرمود: منظور از ظلم در این آیه شرک به خداوند است، مگر گفته بنده صالح خدا، لقمان را نشنیده‌اید که می‌گوید: ... يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان: ۱۳) ای پسر عزیزم به خدا شرک نیاور که شرک، بی‌گمان ستم بزرگی است.<sup>۳</sup>

از طرف دیگر بسیاری از مفسران با استناد به روایاتی گفته‌اند که سوره انعام به صورت یک پارچه نازل شده است. از جمله آن روایت‌ها این است که: سوره انعام یک جا نازل شد در حالی که هفتاد هزار فرشته با تسبیح و تهلیل و تکبیر سوره را همراهی می‌کردند.<sup>۴</sup> ابن عاشور می‌نویسد:

۱. فخررازی، (۱۴۲۲)، ج ۱۹، ص ۵۴.

۲. آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۷، ص ۱۶۵.

۳. طبری، (۱۴۱۲)، ج ۷، ص ۱۶۸؛ طوسی، ج ۴، ص ۱۹۰؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۴، ص ۵۰۶؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۳، ص ۲۷؛ فخررازی، (۱۴۲۲)، ج ۱۳، ص ۴۹؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۷، ص ۳۶۰؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۴، ص ۱۹۶؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج ۲، ص ۱۷۰؛ فیض کاشانی، (۱۴۱۵)، ج ۲، ص ۱۳۶؛ مبدی، (۱۳۷۱)، ج ۳، ص ۴۰۸؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۱۶۶؛ قرطبی، ج ۷، ص ۳۰؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۳، ص ۴۲۵؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۷، ص ۲۳ و ۲۱۱؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۶، ص ۱۸۸؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۵، ص ۳۲۰.

۴. قمی، (۱۳۸۷)، ج ۱، ص ۱۹۳؛ عیاشی، (۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۳۵۳؛ طوسی، ج ۴، ص ۷۶؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۴، ص ۴۲۱؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۳، ص ۲؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۷، ص ۲۲۴؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۴، ص ۷۲؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۱۳۱؛ قرطبی، ج ۶،



غیر از سوره انعام هیچ یک از سوره‌های طوال به طور یک پارچه نازل نشده است.<sup>۱</sup> در مورد سوره لقمان نیز اگر چه برخی از مفسران در خصوص چند آیه آن مناقشه کرده‌اند<sup>۲</sup>، ولی باید دانست که سیاق آیات سوره لقمان همه واحد و متصل و مربوطند و در بین آیات آن چیزی که دلالت کند بر این که آیات آن جدا جدا نازل شده، به نظر نمی‌رسد و این خود دلیل بر آن است که این سوره یک مرتبه نازل شده است. بنابراین و با استناد به دلایل فوق چون نزول سوره‌های لقمان و انعام یک پارچه بوده و از طرف دیگر نزول آیه هشتاد و دوم سوره انعام بعد از آیه سیزدهم سوره لقمان نازل شده است؛ در نتیجه علی القاعده نزول سوره لقمان پیش از سوره انعام بوده است.

در فهرست "ابن عباس" **سوره انعام** پنجاه و چهارمین و **سوره نحل** شصت و نهمین سوره نازل شده می‌باشند.

**اشکال -** در سوره انعام می‌خوانیم: فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (انعام: ۱۱۸) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَ... (انعام: ۱۱۹) بنابراین اگر به آیات خداوند ایمان دارید از چیزهایی بخورید که نام خدا بر آن برده شده است. و شما را چه شده که از چیزهایی نمی‌خورید که نام خدا بر آن برده شده است؟! حال آن که { خداوند } آن چه را بر شما حرام کرده، برایتان شرح داده است. مگر آن چه از { خوردن } آن ناچار باشید...

در این آیات ابتدا خداوند می‌فرماید: از چیزهایی بخورید که نام خدا بر آن برده شده است اگر به آیاتش ایمان دارید. سپس می‌فرماید: چرا از گوشت حیواناتی نمی‌خورید که نام خدا بر آن‌ها گفته شده؟ در حالی که آن چه را بر شما حرام است خداوند شرح داده است.

از این آیه به دست می‌آید که محرّمات از خوردنی‌ها قبل از سوره انعام نازل شده، و چون این محرّمات در میان سور مکیه در سوره نحل است پس باید سوره نحل قبل از انعام نازل شده باشد.<sup>۳</sup>

ص ۳۸۲؛ حویزی، (۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۶۹۶؛ فخررازی، (۱۴۲)، ج ۱۲، ص ۴۷۱؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۷، ص ۶؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۶، ص ۵؛ فضل‌الله، (۱۴۱۹)، ج ۹، ص ۷؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۵، ص ۱۴۳؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۳، ص ۱۷۱.

۱. ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۶، ص ۶.

۲. طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۸، ص ۴۸۸؛ طوسی، ج ۸، ص ۲۶۸؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۱۱، ص ۶۴؛ قرطبی، ج ۱۴، ص ۵۰؛ میبدی، (۱۳۷۱)، ج ۷، ص ۴۸۳؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۲۱، ص ۸۶.

۳. طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۷، ص ۳۳۲؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۳، ص ۳۰۰.

علاوه بر این آیات دیگری در سوره نحل است که به سال‌های اول بعثت مربوط می‌شود. مانند آیه: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صُدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نحل: ۱۰۶) هر آن کس که پس از ایمان آوردنش به کفر گرایید { به بیراهه رفته است}، مگر کسی که وادار گردد، در حالی که دلش به ایمان، آرام و استوار است، لیکن کسانی که سینه خود را برای پذیرش کفر، گشاده داشته‌اند، خشم خدا بر آنان است و عذابی بزرگ دارند. غالب مفسران ذیل این آیه می‌نویسند: آیه إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ درباره عمار و پدرش یاسر و مادرش سمیه و صهبیب و بلال و خباب نازل شده است. اینان مورد شکنجه کفار واقع شدند، پدر و مادر عمار به قتل رسیدند، و عمار هر چه می‌خواستند به زبان آورد و نجات یافت. این خبر در میان مسلمانان پیچید. برخی گفتند: عمار کافر شده است. پیامبر فرمود چنین نیست، إِنَّ عَمَّارًا مَلَأَ إِيمَانًا مِنْ قَزِهِ إِلَى قَدَمِهِ وَ اخْتَلَطَ الْإِيمَانُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ. عمار از فرق سر تا قدم پا مملو از ایمان است و ایمان با گوشت و خون او آمیخته است. چیزی نگذشت که عمار گریه کنان به خدمت رسول خدا (ص) آمد، پیامبر (ص) فرمود: مگر چه شده است؟ عرض کرد: ای رسول خدا بسیار بد شده، دست از سرم برداشتن تا نسبت به شما جسارت کرده و بت‌های آن‌ها را به نیکی یاد نمودم. پیامبر (ص) با دست مبارکش اشک از چشمان عمار پاک کرد و فرمود: اگر باز هم تو را تحت فشار قرار دادند، سخن گذشته را تکرار کن. در این هنگام آیه مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ... نازل گردید!

دقت در مضامین دیگر آیات این سوره شواهد دیگری به دست می‌دهد که نزول سوره نحل قبل از سوره انعام بوده است.

**سوره ممتحنه** در فهرست ابن عباس نودمین سوره نازل شده است.

**اشکال -** از آیات نخست این سوره: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...

استفاده می‌شود که بعضی از مؤمنان مهاجر در خفا با مشرکان مکه رابطه دوستی داشته‌اند، و

۱. طبری، (۱۴۱۲)، ج. ۱۴، ص. ۱۲۲؛ طوسی، ج. ۶، ص. ۴۲۸؛ طبرسی، (۱۴۱۲)، ج. ۲، ص. ۳۰۹؛ فخررازی، (۱۴۲۲)، ج. ۲، ص. ۲۷۴؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج. ۱۲، ص. ۱۰۲؛ زمخشری، (۱۴۰۷)، ج. ۲، ص. ۶۳۶؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج. ۴، ص. ۱۳۲؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج. ۳، ص. ۲۴۱؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج. ۶، ص. ۴۵؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج. ۷، ص. ۴۷۲؛ میبدی، (۱۳۷۱)، ج. ۵، ص. ۴۶۰؛ فیض کاشانی، (۱۴۱۵)، ج. ۳، ص. ۱۵۷؛ حویزی، (۱۳۸۳)، ج. ۳، ص. ۹۰؛ قمی مشهدی، (۱۴۱۰)، ج. ۷، ص. ۲۷۹؛ قرطبی، ج. ۱۰، ص. ۱۸۰؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج. ۱۲، ص. ۳۵۸؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج. ۱۳، ص. ۲۳۷؛ فضل الله، (۱۴۱۹)، ج. ۱۳، ص. ۳۰۵؛ مغنیه، (۱۴۲۴)، ج. ۴، ص. ۵۵۶؛ سید قطب، (۱۴۰۸)، ج. ۴، ص. ۲۱۹؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج. ۱۱، ص. ۴۱۸؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج. ۵، ص. ۵۰۶.

انگیزه‌شان در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده که هنوز در مکه مانده بودند. لذا این آیات نازل شده و ایشان را از این عمل نهی کرد.

روایاتی هم که در شأن نزول آیات وارد شده، این استفاده را تأیید می‌کند، چون در آن روایات آمده که حاطب بن ابی بلتعہ نامه‌ای سری به مشرکان مکه فرستاد، و در آن از این که رسول خدا (ص) تصمیم دارد مکه را فتح کند به ایشان گزارش داد و منظورش این بود که منتی بر سر آنان گذاشته باشد، تا ارحام و اولادی که در مکه داشت از خطر مشرکان حفظ کرده باشد. خدای تعالی این جریان را به پیامبر گرامیش خبر داد و این آیات را فرستاد<sup>۱</sup>.

شیخ طوسی می‌نویسد: «سبب نزول این آیه بدون اختلاف در خصوص حاطب بن ابی بلتعہ نازل شده است؛ هنگامی که پیامبر گرامی اسلام (ص) قصد داشت به طور ناگهانی وارد مکه شود.<sup>۲</sup>»

آیه دهم سوره مذکور: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ...** بعد از صلح حدیبیه نازل شده است. در عهدنامه‌ای که بین رسول خدا (ص) و مردم مکه برقرار گردید، نوشته شده بود که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد، مسلمانان موظفند او را به اهل مکه برگردانند، ولی اگر از مسلمانان مردی ملحق به اهل مکه شد، اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند<sup>۳</sup>. و نیز از آیه شریفه چنین برمی‌آید که از زنان مشرکان کسی مسلمان شده و به سوی مدینه مهاجرت کرده بود. همسر مشرکش به دنبالش آمده، در خواست کرده که رسول خدا (ص) او را به وی برگرداند، و رسول خدا (ص) در پاسخ فرمود: آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد، و درباره زنان در عهدنامه چیزی نیامده و به همین جهت رسول خدا (ص) آن زن را به شوهرش

۱. واحدی، (۱۴۱۹)، ص ۴۴۱؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۹، ص ۴۰۴؛ همو، (۱۴۱۲)، ج ۴، ص ۲۷۶؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۶، ص ۲۲؛ فخررازی، (۱۴۲۲)، ج ۲۹، ص ۵۱۵؛ ابوالفتح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۱۹، ص ۱۵۱؛ مبیدی، (۱۳۷۱)، ج ۱۰، ص ۶۶؛ فیض کاشانی، (۱۴۱۵)، ج ۵، ص ۱۶۱؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۹، ص ۲۴۱؛ زمخشری، (۱۴۰۷)، ج ۴، ص ۵۱۱؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۲۹۱؛ قرطبی، ج ۱۸، ص ۵۰؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج ۵، ص ۲۰۴؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۱۴، ص ۲۶۰؛ ثعالبی، (۱۴۱۸)، ج ۵، ص ۴۱۶؛ سمرقندی، (۱۴۱۶)، ج ۳، ص ۴۳۴؛ بحرانی، (۱۴۱۵)، ج ۵، ص ۳۵۲؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۹، ص ۲۳۴؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۲۸، ص ۱۱۸؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۲۴، ص ۹.

۲. طوسی، ج ۹، ص ۵۷۵.

۳. ابن هشام، (۱۳۷۵)، ج ۳، ص ۳۳۱.

نداد<sup>۱</sup>. طبرسی از ابن عباس روایت آورده است که گفت: "رسول خدا (ص) در حدیبیه با مشرکان مکه صلح کرد، به این که هر کس از اهل مکه نزد مسلمانان آید، باید مسلمانان او را به اهل مکه برگردانند، و هر کس از اصحاب رسول خدا (ص) به مکه آید، اهل مکه او را به آن جناب برگردانند. و این صلح نامه را نوشتند و مهر کردند.

بعد از این جریان زنی بنام سبیعه بنت الحارث اسلمیه، در همان حدیبیه مسلمان شد، و نزد رسول خدا (ص) آمد، شوهر کافرش که مسافر نام داشت و از قبیله مخزوم بود به دنبالش آمد و عرضه داشت: ای محمد زن مرا به من برگردان، چون تو شرط کردی که هر کس از ما نزد تو آمد به ما برگردانی، و مهر عهدنامه تو هنوز خشک نشده است. در همین بین بود که آیه شریفه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ نَازِلٍ** گردید<sup>۲</sup>.

با توضیحات یاد شده امکان ندارد سوره ممتحنه قبل از سوره حشر (صدمین سوره در فهرست ابن عباس) نازل شده باشد؛ چرا که برخی از آیات سوره حشر مانند: **هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهم مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (حشر: ۲)** و نیز: **وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبْتُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَذَابَ النَّارِ (حشر: ۳)** ناظر بر اخراج یهود بنی نضیر از مدینه می باشد. این را هم می دانیم که اخراج یهود بنی نضیر از مدینه در سال چهارم هجری صورت گرفته است.

**سوره فتح** در فهرست ابن عباس یکصد و یازدهمین سوره است.

**اشکال** - می دانیم که سوره فتح هنگام بازگشت پیامبر (ص) از حدیبیه نازل شده است<sup>۳</sup>. و آیاتی از قبیل: **لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (فتح: ۱۸)** که بیعت رضوان را بیان می کند، موید این نظر

۱. طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۹، ص ۲۴.

۲. طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۹، ص ۴۱.

۳. قمی، (۱۳۸۷)، ج ۲، ص ۳۱۰؛ طبری، (۱۴۱۲)، ج ۲۶، ص ۴۳؛ طوسی، ج ۹، ص ۳۱۳؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۹، ص ۱۶۶؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۶، ص ۶۷؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۶۰؛ مبینی، (۱۳۷۱)، ج ۹، ص ۲۰۵؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۸، ص ۲۵۲؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۲۲، ص ۱۸؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

است. از طرف دیگر می‌دانیم که صلح حدیبیه در سال ششم هجرت واقع شده است. در حالی که در فهرست ابن عباس این سوره صد و یازدهمین سوره نازل شده می‌باشد، و قبل از سوره‌های توبه و مائده قرار گرفته است.

با توضیحاتی که گفته شد، این سوره هم نباید بعد از سوره ممتحنه (نودمین سوره در فهرست ابن عباس) قرار گیرد. زیرا همان طور که بیان شد سوره ممتحنه ناظر بر فتح مکه در سال هشتم هجری می‌باشد؛ در حالی که مضامین آیات سوره فتح ناظر بر حوادث صلح حدیبیه در سال ششم هجری است.

**سوره الرحمن** در فهرست ابن عباس مدنی و نود و ششمین سوره به حسب نزول است.

**اشکال** - اغلب مفسران نزول سوره الرحمن را در مکه دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

برخی از مفسران احتمال مکی و مدنی بودن سوره الرحمن را داده‌اند؛ ولی در ادامه متذکر شده‌اند که سیاق آن به مکی بودن شبیه‌تر است.<sup>۲</sup>

برخی دیگر سوره الرحمن را مکی دانسته‌اند مگر آیه: **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**<sup>۳</sup> (الرحمن: ۲۹) که البته بسیار بعید است زیرا سیاق آیات این سوره دلالت بر نزول یک پارچه آن دارد.

از طرف دیگر در تاریخ آمده است: عده‌ای از مسلمانان با هم به بحث و گفتگو نشستند؛ که قریش قرآن را ننشیده‌اند، و بسیار شایسته است که مردی از میان ما برخیزد، و در مسجد الحرام با صدای هر چه رساتر آیاتی از قرآن بخواند. عبدالله بن مسعود آمادگی خود را اعلام داشت. هنگامی که سران قریش مجالس خود را در کنار کعبه مرتب نموده بودند، او آمد و با صدای رسا آیات زیر را خواند: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الرَّحْمَنَ عَلَّمَ الْقُرْآنَ...** جمله‌های فصیح و بلیغ این سوره رعب عجیبی در سران قریش ایجاد نمود و برای جلوگیری از عکس‌العمل ندای آسمانی که به وسیله یک فرد بی‌پناه به گوش آنها می‌رسید، همگی از جای برخاستند و او را قدر زدند که

۱. فخررازی، (۱۴۲۲)، ج ۲۹، ص ۳۳۵؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۶، ص ۱۳۹؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۱۴، ص ۹۶؛ ابن کثیر، (۱۴۱۹)، ج ۷، ص ۴۵۱؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۱۷۶؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۲۷، ص ۲۱۵؛ مغنیه، (۱۴۲۴)، ج ۷، ص ۲۳؛ سید قطب، (۱۴۰۸)، ج ۶، ص ۳۴۴۵؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۲۳، ص ۸۹.

۲. طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۹، ص ۹۳؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۱۰، ص ۴۶۵.

۳. قرطبی، ج ۱۷، ص ۱۵۱؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۹، ص ۴۰۴؛ مبییدی، (۱۳۷۱)، ج ۹، ص ۴۰۴.

خون از سراسر بدن او جاری شد و با وضع رقت باری پیش اصحاب رسول خدا(ص) برگشت، ولی آنها خوشحال بودند که سرانجام ندای جان‌فزای قرآن به گوش دشمنان رسیده است.<sup>۱</sup>

**محور دوم-** فهرست "ابن عباس" ترتیب نزول سوره‌ها را بیان می‌کند و نه ترتیب نزول آیات را. نزد دانش پژوهان علوم قرآنی روشن است که تقدم و تاخر سوره‌ها لزوماً به معنای تقدم و تاخر آیات آن سوره‌ها نیست؛ یعنی ممکن است آیه و یا آیاتی از سوره مقدم پس از آیات سوره موخر نازل شده باشند.

قول مشهور در خصوص ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در فهرست‌های مختلف آن است که رعایت ترتیب سوره‌ها، نظر به ابتدای هر سوره است. اگر سوره‌ای تا چند آیه نازل شود، و بیش از اتمام آن سوره، سوره‌ی دیگری نازل گردد، آن‌گاه بقیه سوره نخست نازل شود، در این حالت اعتبار ترتیب، مبدا نزول هر سوره خواهد بود، نه زمان تکمیل آن. چنان‌که سوره علق تا پنج آیه در آغاز بعثت نازل گردید و پس از چند سال بقیه سوره نازل شد. همچنین سوره مدثر و سوره مزمل و غیره نیز به همین روال نازل شده‌اند. به همین دلیل سوره علق اولین سوره نازل شده شمرده می‌شود. چنان‌که طبرسی در مجمع البیان از کتاب "الایضاح" احمد زاهد نقل کرده است.<sup>۲</sup>

**سوره مزمل** سومین سوره در ترتیب نزول فهرست ابن عباس است.

آیه آخر سوره مزمل سال‌ها پس از نزول این سوره نازل شده است؛ زیرا در این آیه به مسلمانان توصیه شده است که هر چه از قرآن میسر است، بخوانند؛ در حالی که سوره مذکور سومین سوره به حسب ترتیب نزول است و در آن تاریخ چند آیه بیشتر نازل نشده است و لذا چنان‌چه نزول این آیه را مربوط به ماه‌ها و بلکه سال‌ها بعد ندانیم، توصیه‌ای بلاوجه است.

از این گذشته طباطبایی می‌نویسد: «در اخبار زیادی وارد شده که این آیه بعد از گذشتن هشت ماه و یا یک سال و یا ده سال از نزول آیات اول سوره در مکه نازل شد؛ ولیکن این حرف از این نظر سست است که در آیه شریفه جمله "أَفِيْمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا" آمده و ظاهر آن این است که مراد از "زکات" مخصوصاً بدان جهت که بعد از نماز و قبل از انفاق مستحبی آمده، زکات واجب باشد، و همه می‌دانیم که زکات بعد از هجرت در مدینه واجب شد.

۱. ابن هشام، (۱۳۷۵)، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. معرفت، (۱۳۹۰)، ص ۷۸.

پس نزول این آیه در مدینه بوده است. علاوه بر این در آیه شریفه سخن از "قتال" هم رفته، می‌فرماید: "وَأَخْرَوْنَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" با این که می‌دانیم در مکه و در جو آن چنانی مصلحت نبود که در متن آیه سخن از قتال به میان آید. به هر حال ظاهر این است که آیه شریفه در مدینه نازل شده است نه در مکه»<sup>۱</sup>.

**سوره دهر** در فهرست ابن عباس نود و هفتمین سوره نازل شده است.

مفسران عامه و خاصه شان نزول سور دهر را چنین ذکر کرده‌اند: حسنین علیهما السلام بیمار شدند. جدشان پیغمبر اکرم (ص) با جمعی از اصحاب به عیادت آن‌ها تشریف بردند. به امیرالمومنین (ع) فرمودند اگر نذر کنی در حق حسنین روا باشد. امیرالمومنین (ع) و حضرت فاطمه (س) و فضه کنیزشان و خود حسنین هر یک سه روز نذر کردند اگر خداوند آن‌ها را عافیت دهد به شکرانه آن، روزه بگیرند. چون خدای تعالی ایشان را شفا داد، همه روزه گرفتند شب اول فقیری و شب دوم یتیمی و شب سوم اسیری بر در خانه درخواست کمک کردند. علی (ع) نان جوینی که برای افطار به قرض از شمعون یهودی مهیا کرده بود هر سه شب به سائلان داد. فاطمه (س) و دیگران هم اقتدا کردند. روز چهارم حسنین از ضعف روزه بی‌تاب شدند که مائده بهستی و آیات ذیل در شان شان نازل گردید: **يُوفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا- وَبُطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا- إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا- إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا** (دهر: ۷-۱۰) وفا می‌کنند به نذر و می‌ترسند از روزی که سختیش همه اهل محشر را فرا می‌گیرد و به خاطر دوستی با خدا به فقیر و اسیر و یتیم طعام می‌دهند و می‌گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و هیچ پاداشی و سپاسگزاری نمی‌طلبیم. ما از پروردگار خود می‌ترسیم آن روزی که رخسار خلق درهم و غمگین است<sup>۲</sup>. می‌دانیم که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به ترتیب در سال‌های سوم و چهارم هجری در مدینه به دنیا آمدند. از طرف دیگر برای این که روزه گرفته باشند، حداقل می‌باید چهار، پنج

۱. طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۲، ص ۷۴.

۲. طوسی، ج ۱، ص ۲۱۱، تعلی (۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۹۹؛ زمخشری، (۱۴۰۷)، ج ۴، ص ۶۰۷؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۱، ص ۶۱۱؛ میبیدی، (۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۳۲۰؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج ۵، ص ۲۰۷؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۲، ص ۷۸؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۱، ص ۹۸؛ فیض کاشانی، (۱۴۱۵)، ج ۵، ص ۲۶۱؛ سمرقندی، (۱۴۱۶)، ج ۳، ص ۵۲۶؛ قمی مشهدی، (۱۴۱۰)، ج ۱۴، ص ۵۳؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۱۵، ص ۱۷۳؛ طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۲، ص ۱۳۲؛ فضل‌الله، (۱۴۱۹)، ج ۲۳، ص ۲۷۱؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۲۵، ص ۳۴۳.

سالی داشته باشند. بنابراین امکان ندارد آیه مذکور قبل از سوره حشر (صدمین سوره در فهرست مربوط به اخراج یهود بنی نضیر در سال چهارم هجری) نازل شده باشد.

در فهرست ابن عباس **سوره نحل** مکی و شصت و نهمین سوره به حسب ترتیب نزول است.

در مکی بودن سوره نحل تردیدی نیست، لکن آیه ۱۲۶ این سوره به احتمال قوی مدنی است.

آیه مزبور چنین است: **وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ** (نحل: ۱۲۶) **اگر عقوبت می کنید، نظیر آن عقوبت که دیده‌اید، عقوبت کنید و اگر صبوری کنید همان برای صابران بهتر است.**

طباطبایی می‌نویسد: «در درالمنثور است که ابن منذر و طبرانی و ابن مردویه و بیهقی در دلایل از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) در روزی که حمزه شهید و مثله شد فرمود: اگر بر قریش ظفر یافتم هفتاد نفرشان را مثله می‌کنم. این جا بود که خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: **وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا...** رسول خدا (ص) عرض کرد: پروردگارا صبر می‌کنم، پس صبر کرد و از آن پس مثله کردن را ممنوع کرد»<sup>۱</sup>.

در بعضی روایات تصمیم بر مثله کردن کفار، به اصحاب رسول خدا (ص) نسبت داده شده که پس از نزول آیه مورد بحث منصرف گردیدند<sup>۲</sup>. لازم به یادآوری است بسیاری از مفسران دیگر هم سوره نحل را مکی دانسته‌اند مگر همین آیه را تا آخر سوره<sup>۳</sup>.

این نکته نیز گفتنی است که مضمون آیه نیز با سال‌های سخت و دشوار مکه انطباق ندارد. در فهرست ابن عباس **سوره اعراف** مکی و سی و هشتمین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. مفسران اگر چه سوره مذکور را مکی ذکر کرده‌اند، لکن نزول آیه: **وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ...** (اعراف: ۱۶۳) و چند آیه بعد از آن را مدنی دانسته‌اند<sup>۴</sup>. آیه مورد بحث چنین است: **وَاسْأَلْهُمْ عَنِ**

۱. طباطبایی، (۱۳۹۳)، ج ۱۲، ص ۳۷۷.

۲. طبری، (۱۴۱۲)، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ طبرسی، (۱۴۰۳)، ج ۲، ص ۳۱۴؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۴، ص ۱۳۵؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۱۲، ص ۱۲۰؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۶، ص ۵۲؛ سمرقندی، (۱۴۱۶)، ج ۲، ص ۲۹۷؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۵، ص ۲۳۴؛ مغنیه، (۱۴۲۴)، ج ۴، ص ۵۶۵.

۳. طبری، (۱۴۱۲)، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ فخر رازی، (۱۴۲۲)، ج ۲۰، ص ۲۸۸؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۱۲، ص ۱۱۹؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۶، ص ۵۲؛ قرطبی، ج ۱۰، ص ۲۰۱؛ ابن کثیر، (۱۴۱۹)، ج ۴، ص ۵۲۷؛ مغنیه، (۱۴۲۴)، ج ۴، ص ۵۶۵.

۴. طوسی، ج ۴، ص ۳۴۰؛ طبرسی، (۱۴۰۸)، ج ۴، ص ۶۰۸؛ فخر رازی، (۱۴۲۲)، ج ۱۴، ص ۱۹۴؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج ۳، ص ۵؛ قمی مشهدی، (۱۴۱۰)، ج ۵، ص ۳۳؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۸، ص ۱۱۹؛ قرطبی، ج ۷، ص ۱۶۰؛ میبیدی، (۱۳۷۱)، ج ۳، ص ۵۴۷؛



الْفَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (اعراف: ۱۶۳) از آنها درباره شهری که در ساحل بود سوال کن، هنگامی را که آنها در روز شنبه تجاوز می‌کردند، همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه به سراغ آنها نمی‌آمدند؛ این گونه آنها را آزمایش کردیم به سزای آن عصیان که می‌کردند.

این آیه چنان که در روایات اسلامی آمده است سرگذشت پیر ماجرای جمعی از یهودیان را بیان می‌کند که در بندری به نام ایله زندگی می‌کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش به آنها دستور داده شد که در روز شنبه به صید ماهی نپردازند و آن روز استراحت کنند و به عبادت بپردازند. ماهیان نیز در این روز (شنبه) به خاطر این که احساس امنیت می‌کردند، به روی آب می‌آمدند و خود را آشکار می‌کردند، اما روزهای دیگر از ساحل فاصله گرفته و به قعر آب فرو می‌رفتند. صیادان روز شنبه با اندوه به انبوه ماهیان می‌نگریستند، و در روزهای دیگر که اجازه صید داشتند، از ماهیان خبری نبود، لذا به حيله‌ای متوسل شدند، به این صورت که: در کنار دریا حوضچه‌هایی ترتیب دادند و راه آن را به دریا گشودند، روزهای شنبه راه حوضچه‌ها را باز می‌کردند، و ماهیان فراوان همراه آب وارد آنها می‌شدند. اما به هنگام غروب که می‌خواستند به دریا بازگردند، راهشان را می‌بستند، سپس روز یکشنبه شروع به صید آنها می‌کردند و می‌گفتند خدا به ما دستور داده است در روز شنبه صید ماهی نکنیم، ما هم صید نکرده‌ایم بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده‌ایم.

خداوند نیز آنها را به سبب نافرمانی و مکرری که اندیشیدند، مورد مجازات و عقوبت سختی قرار داد و آنها را به شکل میمون درآورد. نکته‌ای که در این جا مهم است این است که خداوند در این آیه به پیامبر (ص) می‌فرماید: از یهودیان معاصر خویش درباره این جمعیت سوال کند و این خاطره را به وسیله سوال در ذهن آنان مجسم سازد، تا از آن پند گیرند، و از سرکشی و کيفری که در انتظار سرکشان است بپرهیزند. این را هم می‌دانیم که برخورد پیامبر اکرم (ص) با یهودیان در مدینه بوده است و اساسا در مکه یهودیانی نبوده‌اند که پیامبر در جهت مقابله با آنها برآمده

کاشانی، (۱۳۴۱)، ۴، ۲، ص ۴، ۲؛ مغنیه، (۱۴۲۴) ج ۳، ص ۲۹۹؛ ابن عاشور، (۱۴۲۰)، ج ۸، ص ۶، مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۶، ص ۷۳.

باشد و آیه مورد بحث در این ارتباط نازل شده باشد. لازم به یادآوری است که اگر نزول آیه مورد بحث را در مدینه بپذیریم، باید آیات ذیل آن را نیز تا **كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ** (اعراف: ۱۶۶) بلکه تا چند آیه بعد از آن را نیز مدنی بدانیم، زیرا در ادامه همان بحث و تتمه آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

**سوره حج** در فهرست ابن عباس یکصد و سومین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) ذکر گردیده است.

در سوره فوق آیاتی هست که نزول آنها نمی‌تواند بعد از نزول سوره‌های انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، محمد(ص)، حشر (به ترتیب هشتاد و هفتمین، هشتاد و هشتمین، هشتاد و نهمین، نودمین، نود و یکمین، نود و چهارمین و صدمین سوره‌ها در فهرست ابن عباس) بوده باشند؛ مانند آیه: **أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ** (حج: ۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد **ظلم** قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان تواناست.

زیرا به طوری که مفسران گفته‌اند، آیه فوق اولین آیه‌ای است که درباره جهاد نازل شده است.<sup>۲</sup> چون مسلمانان مدت‌ها بود که از رسول خدا (ص) اجازه قتال با مشرکان را می‌کردند، و حضرت به ایشان می‌فرمود: من مامور به قتال نشده‌ام و در این باب هیچ دستوری نرسیده است؛ تا آن که این آیه نازل شد و در آنها فرمود: **أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ** ...<sup>۳</sup>

بنابراین آیه فوق و آیات صدر و ذیل آن در اوایل هجرت و قبل از جنگ بدر نازل شده‌اند و امکان ندارد نزول سوره‌های انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، محمد و حشر که در آنها آیاتی در خصوص جنگ‌های بدر، احد، خندق و اخراج یهود بنی نضیر آمده است، بعد از آیات یاد شده باشد.

۱. قرطبی، ج ۷، ص ۳۰۶، ۴۱۸؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۲۹۵؛ فضل‌الله، (۱۴۱۹)، ج ۸، ص ۴۴۲؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۶، ص ۲.  
 ۲. طبری، (۱۴۱۲)، ج ۱۷، ص ۱۲۳؛ طوسی، ج ۷، ص ۳۲۱؛ طبرسی، (۱۴۱۲)، ج ۷، ص ۱۳۸؛ فخررازی، (۱۴۲۲)، ج ۲۳، ص ۲۲۹؛ قمی مشهدی، (۱۴۱۰)، ج ۹، ص ۱۰۱؛ ابوالفتوح رازی، (۱۳۷۱)، ج ۱۳، ص ۳۳۵؛ سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۴، ص ۳۶۴؛ آلوسی، (۱۴۱۵)، ج ۹، ص ۱۵۴؛ فیض کاشانی، (۱۴۱۵)، ج ۳، ص ۳۸۰؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۷، ص ۲۵؛ قرطبی، ج ۱۲، ص ۶۸؛ زمخشری، (۱۴۰۷)، ج ۳، ص ۱۶۰؛ کاشانی، (۱۳۴۱)، ج ۶، ص ۱۵۸؛ بیضاوی، (۱۴۱۸)، ج ۴، ص ۷۳؛ مغنیه، (۱۴۲۴)، ج ۵، ص ۳۳۳؛ مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، ج ۱۴، ص ۱۱۳؛ قرشی، (۱۳۷۷)، ج ۷، ص ۵۴.

## نتیجه‌گیری

نظر به این که آیات قرآن متناسب با اوضاع و احوال و رویدادهای مکه و مدینه نازل می‌شده؛ و حال و هوای مکه کاملاً با حال و هوای مدینه متفاوت بوده است؛ لذا سوره‌های مکی به لحاظ محتوایی و مضمونی با سوره‌های مدنی متفاوت هستند. در مکه، چون آغاز یک مبارزه مکتبی و فرهنگی بوده، ایجاب می‌کرد که بخش زیر بنای دین و اصول اساسی آن، مانند: ایمان به توحید، معاد، نبوت، کتاب‌های آسمانی و فرشتگان پی ریزی شود و در حقانیت هر یک از آن‌ها براهین حسی و عقلی اقامه گردد. از سوی دیگر، در مقابل برخورد تند و خشونت آمیز گروه سرکش و لجاجت پیشه‌ی مردم بی‌سواد مکه در برابر پیامبر(ص) و اتهام‌های گوناگون مانند ساحر، مجنون، القاء مطالب از سوی دیگران به او... لازم بود آیه‌هایی نازل شود که ضمن رد آن اتهام‌ها و پاسخ به آن شبهات، کافران را از غضب خدای عزیز و منتقم بیم دهد با نزول آیات صبر و استقامت و بیان سرگذشت پیامبران گذشته رهروان راه حق را تسلی و دلداری دهد.

لذا می‌بینیم که به غیر از سوره بقره، هر سوره‌ای که در آن داستان پیامبران و امت‌های پیشین باشد، مکی است. و اما از آن جایی که پیامبر(ص) و مسلمانان در مدینه با استقبال مردم رو به رو شدند و زمینه تشکیل جامعه‌ای اسلامی فراهم شد و مسلمانان قدرت و بنیه‌ی دفاع از خود را پیدا کردند، و خداوند نیز اذن دفاع را صادر کرد، لذا هر سوره‌ای که در آن مساله جهاد باشد، خواه اذن جهاد و یا پیرامون جهاد و بیان احکام و مقررات جهاد، آن سوره مدنی است. از سوی دیگر، هر سوره‌ای که در آن شرحی راجع به منافقان آمده باشد، آن سوره مدنی است؛ زیرا اساساً در مکه زمینه‌ای برای پیدایش نفاق وجود نداشته است.

و باز از آن جایی که مکه تقریباً تهی از اهل کتاب بوده و برعکس یهود و نصاری پایگاه مستحکمی در مدینه داشتند؛ لذا آیاتی که مجادله با اهل کتاب و دعوت آنان به سوی حذف تجلیل‌های مبالغه آمیز از پیامبران و شخصیت‌های برجسته مذهبی در آن هست، تماماً مدنی است.

و نیز نظر به این که مسلمانان در مدینه سعی در برپایی نظام اسلامی داشتند، و زمینه تحقق این امر فراهم شده بود، لذا آیات گوناگون اجتماعی، حقوقی، کیفری و قضایی و فرائض دین در مدینه نازل می‌شده. احکامی مانند اجرای حدود، قصاص، ازدواج، طلاق، ارث، حجاب، احکام مربوط به اطعمه و اشربه، نماز خوف و غیره همگی مربوط به مدینه است.

نقدهایی که در این مقاله بر فهرست "ابن عباس" مطرح شده است؛ تماما برگرفته از همین دو فضای متفاوت فرهنگی و اجتماعی مکه و مدینه است. سعی شده است مواردی مورد استناد و استشهاد قرار گیرد که تقریباً مورد اجماع مفسران و مورخان باشد روایاتی که مورد بهره برداری قرار گرفت، مواردی است که با مضامین آیات همسویی و سازگاری دارد و به نوعی آن مضامین را تایید می‌کند.

در ضمن نظر بر این که ترتیب نزول سور، لزوماً به معنای ترتیب نزول آیات سوره‌ها نیست، لذا ممکن است در ترتیب نزول، سوره‌ای پیش از سوره دیگر نازل شده باشد، در حالی که برخی از آیات سوره لاحقاً قبل از آیات سوره سابقه نازل شده باشد. در این مقاله مواردی برای ایضاح مطلب بیان گردید.

## منابع

قرآن کریم

- (۲) آلوسی، شهاب الدین، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ق.
- (۳) ابن عاشور، محمد طاهر، **تفسیر التحریر و التنویر**، موسسه التاریخ، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- (۴) ابن ضریس، محمد بن ایوب، **فضائل القرآن**، دارالتفکر، دمشق، ۱۴۰۸ق.
- (۵) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ق.
- (۶) ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، **السیره النبویه**، دارالوفاق، بیروت، لبنان، ۱۳۷۵ق.
- (۷) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، مصحح یاحقی، محمد جعفر، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ایران، ۱۳۷۱ش.
- (۸) بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، موسسه البعثه، قم، ایران، ۱۴۱۵ق.
- (۹) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **انوار التنزیل و اسرار التاویل**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- (۱۰) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، **تفسیر الثعالبی**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ق.
- (۱۱) ثعلبی، احمد بن محمد، **الکشف و البیان**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- (۱۲) حویزی، عبد علی بن جمعه، **نور الثقلین**، به کوشش رسولی محلاتی، سید هاشم، مطبعه العلمیه، قم، ایران، ۱۳۸۳ق.
- (۱۳) دروزه، محمد عزت، **التفسیر الحدیث**، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، مصر، ۱۳۸۳ق.

- ۱۴) زمخشری، محمد بن عمر، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التاويل**، دار الكتاب العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- ۱۵) سمرقندی، نصرین محمد، **تفسیر السمرقندی**، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۶) سید بن قطب، ابن ابراهیم شاذلی، **في ظلال القرآن**، دار الشروق، بیروت، لبنان، ۱۴۰۸ق.
- ۱۷) سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، **الدر المنثور في التفسیر بالمأثور**، منشورات مکتبه ایه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ایران، ۱۴۰۴ق.
- ۱۸) طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان في تفسیر القرآن**، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۳۹۳ق.
- ۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر جوامع الجامع**، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- ۲۰) طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۲۱) طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان عن تاویل آی القرآن**، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲) طوسی، محمد بن حسن، **التبیان في تفسیر القرآن**، مصحح عاملی، احمد حبیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، {بی تا}
- ۲۳) عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، مطبعه العلمیه، قم، ۱۳۶۳ش.
- ۲۴) فارسی، جلال الدین، **پیامبری و انقلاب**، انجام کتاب، تهران، ایران، ۱۳۶۱ش.
- ۲۵) فخررازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ چهارم، ۱۴۲۲ق.
- ۲۶) فضل الله، سید محمد حسین، **من وحی القرآن**، دار الملائک، بیروت لبنان، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
- ۲۷) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **الصافی في تفسیر القرآن**، مکتبه الصدر، تهران، ایران، چاپ سوم، ۱۴۱۵ق.
- ۲۸) قرشی، سید علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، بنیاد بعثت، تهران، ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
- ۲۹) قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، دارالفکر، بیروت، لبنان، {بی تا}
- ۳۰) قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ۳۱) قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، مکتبه المهدی، نجف، عراق، ۱۳۸۷ق.
- ۳۲) کاشانی، فتح الله بن شکر الله، **منهج الصادقین في الزام المخالفین**، کتاب فروشی اسلامیه، تهران، ایران، ۱۳۴۱ش.
- ۳۳) معرفت، محمد هادی، **تفسیر و مفسران**، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ایران، ۱۳۷۹ش.

- ۳۴) مغنیه، محمد جواد، **التفسیر الکاشف**، موسسه دارالکتب الاسلامی، تهران، ایران، ۱۴۲۴ق.
- ۳۵) مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از دانشمندان، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران، ۱۳۵۳ش.
- ۳۶) مبدی، ابوالفضل رشید الدین، **کشف الاسرار وعده الابرار**، انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۷۱ش.
- ۳۷) واحدی، علی بن احمد، **اسباب نزول القرآن**، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۳۸) سایت: مجمع جهانی شیعه شناسی، پژوهشی درباره ترتیب نزول قرآن.

#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** صدرالدینی احمدیانی علیرضا، سرشار مژگان، حاجی عبدالباقی مریم، تحلیل و اعتبارسنجی فهرست ابن عباس در ترتیب نزول سوره‌های قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۶۶۳-۶۴۲.